

۵۹. تخییر بین اقل و اکثر

یکشنبه، ۲۰ آذر ۱۴۰۱

بحث در معقولیت تخییر بین اقل و اکثر است. مرحوم آخوند بر اساس اعتباری بودن علیت اشیاء برای اغراض تخییر بین اقل و اکثر را معقول دانستند. عدم امکان تاثیر اقل و اکثر (هر کدام بحدّه) در تکوین روشن و بدیهی است و اگر اقل برای تحقق معلول کافی باشد با تحقق آن معلول محقق خواهد شد و معنا ندارد اگر اقل محقق شد موثر آن باشد و اگر اکثر محقق شد مجموع آن موثر در تحقق معلول باشد. به عبارت دیگر اگر اقل علت برای تحقق معلول باشد، انتظار برای لحوق و عدم لحوق زیاده معنا ندارد.

مرحوم آخوند فرمودند چه در موارد تخییر عقلی که غرض واحد است و چه در موارد تخییر شرعی که اغراض متعدد است، اگر به گونه‌ای باشد که اقل به هر گونه‌ای اتفاق بیافتد غرض محقق می‌شود تخییر بین اقل و اکثر معنا ندارد و زائد بر اقل حتماً جزو واجب نخواهد بود تفاوتی ندارد مستحب باشد یا مباح و لغو باشد و منظور ایشان از مستحب هم این است که زیاده مستحب مستقل باشد نه اینکه مثل نماز در مسجد فردی از واجب باشد که مستحب است.

اما اگر به گونه‌ای باشد که اگر اقل بحدّه محقق شود غرض محقق می‌شود به این معنا که اگر مکلف بر اقل اکتفاء کند، اقل در غرض موثر است و محقق آن است اما اگر مکلف بر آن اکتفاء نکند اقل جزء موثر خواهد بود و مجموع موثر در تحقق غرض باشد، نه فقط تخییر بین اقل و اکثر ممکن است بلکه حتماً باید به تخییر حکم شود چون وقتی هم اقل بحدّه و هم اکثر بحدّه محقق غرض باشند، تخصیص وجوب به خصوص اقل موجب ندارد.

و اینکه غرض به این صورت باشد ثبوتاً ممکن است، که منظور ایشان در امور اعتباری است و گرنه در امور تکوینی چنین چیزی ممکن نیست. قوام آنچه مرحوم آخوند فرموده‌اند به معقولیت شرط متأخر است و از آنجا که شرط متأخر در تکوینات معقول نیست تخییر بین اقل و اکثر به این بیان هم در تکوین معقول نخواهد بود.

اشکال: این مطلب در جایی که اقل وجود مستقلی ندارد مثل خط درست است چون خط وقتی محقق می‌شود که دست از حرکت بایستد و تا وقتی دست از حرکت نایستاده همچنان خط محقق نشده و لذا هر چند به مقدار اقل هم کشیده شده باشد اما تا وقتی دست از حرکت نایستاده باشد هنوز اقل محقق نشده است تا محقق غرض باشد، اما در مواردی که اقل وجود مستقلی دارد این بیان ناتمام است. در مثل تسبیحات اربعه هر تسبیح وجود مستقلی دارد و معنا ندارد بعد از وجود تسبیح اول، غرض محقق نشده باشد و اگر اکثر محقق نشد همان محقق غرض باشد و اگر اکثر محقق شد محقق غرض نباشد!

در خط هم در فرضی که اقل وجود پیدا کند همین طور است یعنی جایی که دست از حرکت بایستد در حالی که می‌تواند دنباله آن را بکشد، معنا ندارد اگر ضمیمه کشیده شد مجموع آن محقق غرض باشد و اگر کشیده نشد همان خط قصیر محقق غرض باشد.

جواب: در آنچه مهم است بین وجود مستقل اقل و عدم آن تفاوتی ندارد. آنچه برای ما مهم است این است که آیا اقل بحدّه موثر است یعنی به شرط عدم زیاده موثر باشد به نحوی که اگر در ضمن

اکثر بود اقل موثر نیست بلکه مجموع اقل و زیاده موثر باشد یا اقل به هر نحوی محقق شود در تحقق غرض موثر است. در این تفاوتی ندارد اقل وجود مستقل داشته باشد یا نداشته باشد. گفتیم منظور ایشان از شرط عدم زیاده، شرط جعل نیست بلکه منظور این است که مکلف زیاده را بیاورد یا نیاورد. اگر مکلف زیاده را بیاورد اقل جزء موثر است نه اینکه شارع این را جعل کرده است و اگر مکلف بر اقل اکتفاء کند خود اقل محقق غرض است و این اکتفای به اقل و عدم ضمیمه کردن زیادی به آن در عمل مکلف است نه اینکه شارع آن را جعل کرده باشد. مقصود ما از اینکه گفتیم شرط جعل نیست به این معناست که از جانب مولا مکلف ملزم به اقل بحد و عدم زیاده نیست بلکه می‌تواند اکثر را به جا بیاورد و اگر اکثر را به جا آورد مجموع محقق غرض است اما اینکه اگر مکلف به اقل بحد اکتفاء کرد غرض او محقق شده است و اگر از اقل تعدی کرد غرض محقق نشده و غرض با مجموع محقق می‌شود در نهایت به اراده مولا برمی‌گردد.

از آنچه گفتیم فهمیده می‌شود تعمیم نزاع در کلام آقای صدر به موارد دفعی و تدریجی حرف صحیحی نیست. تخییر بین اقل و اکثر تدریجی محل بحث است و مورد شبهه و اشکال قرار گرفته است اما تخییر بین اقل و اکثر دفعی اشکالی متصور نیست و قبلاً مثال زدیم به اینکه فرد اگر یک سکه تصدق کند، امثال با همان محقق شده است و اگر در آن واحد دو سکه را صدقه بدهد امثال هم با همان اعطای دو سکه محقق شده است نه اینکه با یکی از آنها محقق شده است.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که مرحوم اصفهانی فرموده‌اند بین تسبیح و تسبیحات و خط قصیر و طویل تفاوتی نیست. در خط تا وقتی دست از حرکت نایستاده است خط محقق نشده است و وقتی دست از حرکت ایستاد وجود واحد خط محقق شده است، در تسبیح هم تا وقتی صدا قطع نشده و متصل است و سکوت اتفاق نیافتد وجود واحد هنوز محقق نشده و وجود وقتی محقق می‌شود که صدا قطع شود و سکوت کند و لذا چنانچه سه تسبیح را با یک صدای مستمر بخواند با کلام واحد و وجود واحد سه تسبیح محقق شده است.

سپس فرموده‌اند این به دقت عقلی درست است اما در فقه تخییر بین تسبیح واحد و تسبیحات متعدد به این فرض اختصاص ندارد بلکه شامل فرضی است که بین تسبیحات هم صدا قطع شود و بین آنها سکوت کند.